

بررسی مغالطه تشیعی (توهم چینی) در سازمانها و چگونگی مدیریت آن

زهرا محمدپور^۱، سید شاهین عامری^۲ و آیرا لوا^۳

چکیده

همواره نظریات به عنوان مهمترین ابزار پژوهش، پژوهشگران را یاری می نماید؛ تا با به کارگیری آنها بتوانند پدیده های اجتماعی را مورد توصیف، تبیین و تحلیل قرار دهند. شناخت مغالطه ها می تواند مهارتهای استدلال را ایجاد کند تا پیوندهای ضعیف تر بین مقدمات و نتیجه گیری ها را برای تشخیص بهتر آنچه به نظر می رسد درست است، نشان دهد. درک اینکه مغالطه ها چیست مهم است تا فرد بتواند آنها را یا در نوشتار خود یا دیگران تشخیص دهد. اجتناب از مغالطه ها توانایی فرد را در ایجاد استدلال های قوی تقویت می کند.

مدیریت، فرایند به کارگیری موثر و کارآمد منابع مادی و انسانی در برنامه ریزی، سازماندهی، بسیج منابع وام کانات، هدایت و کنترل است که برای دستیابی به اهداف سازمانی و بر اساس نظام ارزشی مورد قبول، صورت می گیرد و از آنجایی که جهان امروز جهان سازمانی است، و اگر سازمانی بیمار باشد این بیماری به دنیای بیرون نیز سرایت می کند لذا شناخت مغالطه ها و چگونگی مدیریت آن در سازمانها برای داشتن جامعه ای سالم حائز اهمیت و در خور توجه است.

واژگان کلیدی: مغالطه تشیعی، سازمان، مدیریت، توهم چینی

¹ دکتری تخصصی مدیریت دولتی گرایش رفتار سازمانی، مدرس دانشگاه علامه حلی (ره)، چالوس، ایران.

² دانشجوی کارشناسی ارشد، مدیریت بازرگانی، گرایش بازاریابی، موسسه غیر انتفاعی علامه حلی (ره)، چالوس، ایران

³ کارشناس بازاریابی مدیریت مخابرات چالوس، نوشهر، کلاردشت

مقدمه

نگاهی تاریخی به مفهوم مغالطه نشان می دهد که موضوع مغالطه در طول تاریخ، فلسفه و منطق از جایگاه خاصی برخوردار بوده است و از زمان های گذشته فیلسوفان به طرق مختلف به این موضوع پرداختند. انسان ها از قابلیت بیان واقعیات و بررسی صحت آنها برخوردارند. آنها می توانند اعتقاداتشان را توجیه کنند و تغییر دهند و به طور کلی امور را درک کنند. ما این کار را با عقل (*Reason*) انجام می دهیم و فرایند انجامش نیز استدلال کردن (*Reasoning*) نام دارد. تقریباً همه ی انسان های سالم از قابلیت استدلال کردن برخوردارند، ولی تعداد بسیار کمی از انسان ها این کار را به خوبی انجام می دهند. درک اینکه مغالطه ها چیست مهم است تا فرد بتواند آنها را یا در نوشتار خود یا دیگران تشخیص دهد. این مغالطه گرچه ساده و بدیهی است، اما دائماً در محافل مختلف بکار می رود. این مغالطه را می توان ذیل مغالطات حمله شخصی نیز قرار داد. هنگامی که به عمل ناشایست کسی نقد می شود، او به جای توجیه و پاسخ به نقد، به شخص منتقد حمله کرده و می گوید تو "خودت هم همینطور هستی، یا "خودت بدتری!" متأسفانه در بسیاری از سازمانها مدیران با تصور اینکه چون مدیر هستند می تواند هر کاری را انجام دهند دست به رفتارهایی می زنند که در نهایت وقتی خلاف آن رفتار را از کارکنان خود می خواهند انجام دهند کارکنان در ذهن خودشان و یا با زبانشان به مدیر می گویند که خود او نیز مرتکب چنین رفتاری شده است. در نتیجه سازمان به سمت و سوی می رود که از خط مشی های اساسی اش دور می ماند. لذا برای جلوگیری از این مفهوم مهم در صدد آن هستیم که در این مقاله به تعریف مغالطه و تشریح مغالطه ی تو هم چینی و چگونگی بروز و نمود آن در سازمانها و در نهایت مدیریت آن پردازیم.

مبانی نظری

ارزش و امتیاز اساسی انسان، داشتن اندیشه و تفکر اوست و هرچه اندیشمندتر باشد خصوصاً اگر به آن عمل نماید، به کمالات انسانی خویش، فعلیت بیشتری بخشیده است. همیشه امور با ارزش و پربهاء، در معرض خطرات جدی می باشند. اساسی ترین خطر اندیشه، انجام مغالطه در آن و باطل را در لباس حق پوشاندن است. مغالطه یکی از طرق مهم اشتباه در تفکر و استدلال بوده که موجب عدم رهایی از اسارت جهل مرکب است. غفلت از اشتباه و غلط درماده و صورت استدلال و نیز مسائل خارج از استدلال، عقل بشر را از واقع بینی دور می کند؛ همان گونه که در پذیرش استدلال باید دقت کرد، در رد آن نیز باید دقت کرد. باور نکردن هیچ چیز درست به اندازه ی باور کردن همه چیز ابلهانه است (وایت، 1395). لذا شناسایی انواع مغالطات در داشتن تفکر صحیح، لازم و ضروری می نماید (ضیاء 1388). انواع مغالطه زیاد است و مراجعه ی تفصیلی و دقیق به کتب منطقی، نشان می دهد که منطق دانان مسلمان 310 قسم مغالطه را مشخص کرده اند (نبویان، 1385). البته انواع مغالطه محدود به این تعداد نیست و می تواند افزایش یابد (شریعتی

سبزواری، ۱۴۰۰). هرچه تعداد مغالطه های بیشتری شناخته و معرفی شود به همان میزان میتوان از بروز خطا در استدلال جلوگیری کرد. خندان در تعریف مغالطه می نویسد: ((در کلی ترین حالت مغالطه عبارت است از خطا و آشفتگی در سبک استدلال که بر اساس این تعریف وقوع مغالطه ها را می توان در حوزه استنتاج در نظر گرفت، به این معنا که شخص با مقدمات و یا بدون مقدمات از راههای منطقی یا غیر آن و به صورت معتبر و یا غیر معتبر بخواهد صدق و یا کذب گذاری را نتیجه بگیرد، آنکه بخواهد در مقام تفهیم یا تاثیر گذاری، مدعا یا محتوای گذاری را به افراد دیگر منتقل نماید. چنین نتیجه گیری یا گذر استنتاجی چیزی است که منصف به مغالطه ای بودن میشود (شعبانی ورکی و همکاران، ۱۳۹۰).

مغالطه استفاده از استدلال نامعتبر یا در غیر این صورت نادرست یا ((حرکت اشتباه)) (ون ایمرن، گارسن، مافلز، ۲۰۰۹) در ساخت یک استدلال است (گنسلر، ۲۰۱۰؛ وودز، ۲۰۰۲). یک استدلال مغالطه آمیز ممکن است با به نظر رسیدن بهتر از آنچه واقعا است فریبنده باشد. برخی مغالطه ها عمدا برای دستکاری یا ترغیب یا فریب انجام می شود، در حالی که برخی دیگر به دلیل بی احتیاطی یا ناآگاهی، ناخواسته مرتکب می شوند. صحت استدلال های حقوقی به زمینه استدلال ها بستگی دارد (بوستامانته، دالمان، ۲۰۱۵). مغالطه در لغت به معنی سوق دادن شخص دیگر و به غلط و نیز اشتباه کاری (خودفرد) است و در اصطلاح منطق، استدلالی است که واجد ارکان و شرایط استدلال به لحاظ ماده یا صورت و یا هر دو نباشند. مغالطه به معنی تعمد در به غلط اندازی دیگری با دو انگیزه می تواند تحقق یابد: ۱. انگیزه حق: گاه ممکن است شخص مغالط به غرضی صحیح، دیگری را به اشتباه سوق دهد، به قصد امتحان مخاطب و یا به منظور تنبیه طرف مقابل برای اصرار نکردن او بر نظر اشتباه خود. در صورت اول به قیاس مغالطی ((امتحان)) و در صورت دوم به آن ((عناد)) می گویند. ۲. انگیزه باطل: گاهی مغالط با اهدافی نادرست، مانند ریا، برتری بر دیگران دست به مغالطه می زند. اساس شکل گرفتن چنین انگیزه ای این است که مغالط بخواهد قبل از آراسته شدن به حکمت و مقتضای عقل، خود را در جامه عالمان ظاهر کند. چنین افرادی چاره ای جز تمسک به انواع مغالطه ندارند تنها راه مقبولیت کلام ایشان در میان ظاهر بینان، استفاده از مغالطه و شهرت دروغین به علم و فرزاندگی است (منتظری مقدم، ۱۳۹۴). درک اینکه مغالطه ها چیست مهم است تا فرد بتواند آنها را یا در نوشتار خود یا دیگران تشخیص دهد. اجتناب از مغالطه ها توانایی فرد را در ایجاد استدلال های قوی تقویت می کند. ارزیابی اینکه یک استدلال مغالطه آمیز است ممکن است دشوار باشد، زیرا استدلال ها در امتداد صحت وجود دارند و استدلالی که دارای چندین مرحله است یا بخشهایی ممکن است دارای برخی بخشهای صوتی و برخی موارد مغالطه آمیز باشد (دلنسی، ۲۰۱۸).

مغالطه ی تشنیعی (تو هم چینی) موقعی پیش می آید که شخص، به بهانه ی عدم سازگاری گفتار و کردار طرف بحثش، استدلالهایش را رد می کند. به مغالطه ی تشنیعی تو هم چینی، مغالطه ی تو نیز، توسل به

ریا، مغالطی تناقض شخصی هم گفته می شود. وقتی از فقدان اعتماد به نفس یا اراده ی ضعیف تان آگاه هستید، باید اعتراف کنید که این ضعف ها در صحت ادعایان تاثیر ندارند (بونت، 1399).

فواید صنعت مغالطه

- 1- انسان دچار غلط نشود.
- 2- شخص دیگری با وی مغالطه نکند.
- 3- بتواند به وسیله این فن، مغالطه طرف را بی اثر سازد.
- 4- برای امتحان فرد، استعمال شود.
- 5- برای عداوت و دشمنی با طرف به کار رود (داودن، 2016).

پیشینه پژوهش

علیرضا (۱۳۹۸)، در مقاله ای با عنوان: پژوهشی پیرامون انواع جدیدی از مغالطه در قرآن کریم به این نتیجه رسیدند، دقت در آیات قرآن کریم از حیث چگونگی طرح مناظره ها و تأکید قرآن بر نشان دادن وجه مغالطه و راه اظهار و غلبه بر مغالطات، بیانگر این مسأله است که قرآن کریم به سبک گفتگو در مناظره توجه دارد. با تأمل در آیات قرآن کریم، مغالطاتی در مناظرات کافران با پیامبران الهی دیده می شود که میتوان آنها را در انواع متعددی طبقه بندی کرد و با دقت در آنها انواع دیگری از مغالطه را تشخیص داد و به شمار انواع مغالطه های موجود اضافه کرد. برای تشخیص انواع مختلف مغالطه ها ابتدا کل آیات، بررسی و انواع مغالطات مطرح در قرآن بررسی شد، سپس چند نوع مغالطه که می توانست در دسته بندی جدید یا متفاوتی قرار گیرد تحت عناوین ابداعی معرفی شد. در این راستا هفت نوع مغالطه ارائه میشود که عبارتند از: مغالطه های استبعاد، حقیقت و مجاز، ظن و گمان، بود و نمود، برچسب، سوگند و خودبرتتری عقلی.

ورکی و همکاران (۱۳۹۰)، در مقاله ای با عنوان: طبقه بندی مغالطه های اسکات و پژوهش های تربیتی در ایران: ارزیابی روش شناختی پژوهش های منتشر شده در نشریات معتبر علوم تربیتی و روانشناسی ایران در سال های ۱۳۸۱-۸۵ انجام دادند. یافته ها نشان داد که اغلب مغالطه های مورد وصف نه تنها در تمام پژوهش های کمی، بلکه در یک پژوهش کیفی و شش پژوهش ترکیبی مورد مطالعه نیز به تناوب مشاهده شدند.

آقانووری نعیمه (۱۳۹۵)، در مقاله ای با عنوان: مغالطه ها، مصادره ها و چالش های کاذب، موانع اصلی در پژوهش های حوزه ادبیات پایداری، نسبت به آسیب شناسی و رفع موانع پژوهشی ادبیات پایداری کوشش، و انحرافات پژوهشی اعم از مغالطه ها و مصادره در حوزه ادب پایداری و همچنین جریان ها یا چالش های کاذب پدید آمده از این انحرافات را نقد و بررسی نموده اند.

محمدی، محمدعلی (۱۳۹۸)، در مقاله ای تحت عنوان: نقد مغالطات مستشرقان در مطالعات قرآنی پس از مفهوم شناسی، ضمن تأکید بر خدمات قرآن پژوهان منصف، به ده خطای مغالطه ای مستشرقان قرآن پژوه

اشاره نموده است و در پی اثبات این فرضیه است. که پژوهش های مستشرقان، بیش از آنکه بر برهان، جدال احسن و موعظه حسنه استوار باشد، در موارد فراوانی بر پایه مغالطات بنا شده است؛ از این رو پذیرش نتایج پژوهش های مستشرقان، نیازمند ژرف اندیشی افزون تری است. مستشرقان به دلایلی همانند پیش فرض های نادرست، تفاوت فرهنگی و ناآشنایی با زبان عربی در موارد فراوانی مغالطه کرده اند و مغالطه شناسی در مطالعات قرآن پژوهی مستشرقان، بسیار حائز اهمیت است.

حمدالهی، احمد (۱۳۹۷)، در مقاله ای تحت عنوان: تحلیل انتقادی مغالطه سوم از «مغالطات عقل محض» کانت، کوشیده است اولاً با تأمل دقیق در این توضیحات و با عطف توجه به سایر آراء و دیدگاه های اساسی کانت، تصویر نسبتاً دقیقی از دیدگاه وی در مورد این به اصطلاح مغالطه بدست دهیم؛ ثانیاً و در ضمن آن به نقد و ارزیابی این دیدگاه پردازیم. تحلیل و بررسی دقیق توضیحات کانت نشان می دهد وی از یک سو بر اینهمانی نفس به عنوان یک حقیقت تحلیلی و بطور پیشینی معتبر تصریح و تأکید می کند، اما از سوی دیگر و در عین حال هدف اصلی و تمام تلاش او این است که نشان دهد اینهمانی تحلیلی و بطور پیشینی معتبر نفس یک اینهمانی عینی نیست و بر همین اساس با استناد به آن نمی توان مدعی شناخت اینهمانی و شخصیت عینی نفس شد. حاصل ارزیابی ادعاهای اصلی کانت درباره مغالطه سوم این است که به دلیل تعارضات و ناسازگاری هایی که میان این ادعاها با برخی از دیدگاهها و مبناهای اساسی فلسفه وی وجود دارد، وی نمی تواند به نحو سازگار و منطقی شناخت اینهمانی و شخصیت عینی نفس را انکار نماید.

بحث و نتیجه گیری

بنابراین می توان چنین گفت که فایده دانستن این فن مانند بهره ای است که پزشک از آموختن سموم و خواص آن می برد؛ چون پزشک می تواند بدین وسیله از آن سموم پرهیز کند و دیگران هم به احتراز از آن توصیه کند و کسی را که مسموم شده مداوا نماید. موضوع این صنعت، محدود به شیء خاصی نیست بلکه همه آنچه که صنعت برهان و جدل به آن تعلق می گیرد را شامل می شود و مبادی صنعت مغالطه نیز مقابل مبادی صنعت برهان و جدل است؛ یعنی مبادی اش، شبیه مبادی آنهاست با این تفاوت که مبادی برهان و جدل، حقیقی هستند، اما مبادی این صنعت، ظاهری و غیر حقیقی است؛ و منشا شباهت ظاهری آنها ضعف نیروی تشخیص و قصور ذهنی است. یکی از مغالطه های منطقی که ممکن است در گفت و گو و یا بحثی آزاد روی دهد، مغالطه منطقی " تو هم همینطور " (Tu Quoque) است. اساس این مغالطه این است که کسی که متهم به خطایی شده است، به جای این که نشان دهد آن خطا را ارتکاب نکرده است، درصدد بر می آید که نشان دهد متهم کننده او نیز مرتکب همان خطا شده است.

برای مثال در سازمان ممکن است کارمند "الف" از مخاطبش بپرسد چرا اتاق شما اینقدر شلوغ و بی نظم است؟ کارمند "ب" بجای این که به پاسخ پرسش مذکور پردازد و چرایی این مسئله را تشریح کند به جای

جواب از فرد اول این پرسش را می‌کند: از اتاق شما که بهتره، چرا شما روی میز خودتون نظام 5S رو رعایت نمیکنید؟

اشکالی که این نوع پاسخ دهی دارد این است که اصلاً پاسخ نیست. این که اتاق کارمند "الف" از حیث تردد شلوغ است و باعث برهم زدن نظم ذهنی دیگر کارکنان خواهد شد به هیچ روی باعث برعایت نظام 5S از طرف کارمندان اتاق ب نخواهد شد و تشریح نمی‌کند که چرا در هر دو اتاق "ب" و نه "الف" این وضعیت وجود دارد. به بیان دیگر این که اتاق "الف" را به انواع نارسایی‌ها متهم کنیم، پاسخی برای این پرسش نمی‌شود که چرا و به چه دلیل وضعیت اتاق "ب" این گونه مانده است؟

در برخی موارد کارمند "ب" ممکن است کارمند "الف" را به همان خطا متهم نکند بلکه وی را به خطایی دیگر!!! متهم سازد. به بیان دیگر در جواب به پرسش فوق ممکن است کارمند "ب" بگوید مگر به وضعیت میز مدیر عامل توجه نکرده‌ای که چقدر ناامید کننده است؟ چرا به این فکر نمی‌کنی!!!

نتیجه افراط در روی آوردن به این نوع مغالطه این است که گفت و گو از صورت یک پرسش و پاسخ به صورت یک جریان پرسش و پرسش بدل می‌شود. به بیان دیگر پرسش با پرسش‌هایی پاسخ!! داده می‌شود. این که چرا فرد "ب" به این نوع مغالطه روی می‌آورد معمولاً ناشی از این است که وی از پاسخ به سوالات ظفره رفته و شاید در نگاهی ساده باورانه فرض را بر این می‌گذارد که این نوع پاسخ دادن نوعی ذکاوت و زرنگی است که وی بدان متصف است.

مدیر: اضافه کاری در روزهای تعطیل رسمی باعث پایین آمدن انگیزه شغلی کارکنان می‌شود.

کارمند: تو خسیسی و دوست نداری اضافه کاری به کارکنان پرداخت کنی.

کارمند: به نظرم باید برای بخش منابع انسانی با یک متخصص مشورت کنیم و آقای فلانی کارشناس خبره‌ای نیست.

مدیر: آقای فلانی آدم راست گو و امینی است و همه به او اعتماد دارند چرا نباید نظر او را درباره بخش منابع انسانی قبول کنیم؟

مدیر: کارخانه الف بیش از اندازه در حال تعدیل نیرو است و این قضیه به نظر کمی نگران کننده می‌آید.

کارمند: دیگه به دیگه می‌گوید رویت سیاه!

حتما با این مغالطه بارها روبه‌رو شده‌اید: کسی ادعایی طرح می‌کند به جای پرداختن به ادعا و حرف او یک‌راست سراغ گوینده می‌رویم، بله، سراغ «شخصیت» گوینده و ویژگی‌های آن مانند قومیت، ظاهر، چاقی/لاغری، سیگاری بودن یا سلامتی، باورهای شخصی یا دینی و حتی علایق جنسی و سلیقه و ذائقه

خوراکی‌اش. با این پیش فرض که ممکن نیست کسی در جایگاه خوب و شایسته‌ای نباشد و بتواند یک ادعای دقیق طرح کند مثلاً: اینکه خودش سیگاری است و می‌گوید سیگار ضرر دارد خودش روستایی مهاجر است و از مهاجرت از روستاها به شهرهای بزرگ حرف می‌زند، خودش بچه‌اش را فرستاده کلاس موسیقی و از اختصاص اوقات فراغت بچه‌ها به خودشان حرف می‌زند و یا برعکس به جای ادله خواستن برای ادعایش همین که گوینده «شخصیت موجه»‌ای دارد برایمان کافی است، تحسین شخص و شخصیت او ما را از ارائه دلیل توسط او بی‌نیاز می‌کند. که یکی از رایج‌ترین این مغالطه‌ها که متاسفانه نمود های بسیاری از آن در سازمانها دیده می‌شود مغلطه حمله/تحسین شخصی است یا در شرایطی «مغلطه تو هم همین‌طوری» است. شاید شناخت و تشخیص این مغالطه نسبت به سایر مغالطه‌ها آسان‌تر باشد اما پیش‌گیری و مواجهه با آن کمی دشوار است.

در این شکل مغالطه حمله به شخص گوینده برای زیر سوال بردن شخصیتش رخ می‌دهد تا ادعای او به حاشیه رود و یا با تحسین بیش از حد شخصیت گوینده راه‌های بحث و ارائه نظر بسته شود، کارکنان سازمان و حتی مدیران وقتی با این شرایط روبه‌رو می‌شوند خیلی سریع واکنش نشان می‌دهند و حتی امکان دارد روحیه خود را بیازند. در یک چنین مواقعی جهت مدیریت این مغالطه و برای آموزش و تقویت مهارت‌های ذهنی و زبانی‌شان به آنها بگویید باید در جریان بحث مثل ماهی شناور و آزاد باشند، اگر کسی به شخصیت آنها توهین کرد مانند این است که قلاب ماهی‌گیری دارد و منتظر است تا شما به توهین او گرفتار شوید تا بحث و استدلال را مطابق خواست خودش پیش ببرد پس تنها راه چاره این است که به قلاب نزدیک نشوید. چند لحظه صبر کنید و بعد بگویید به جای زیر سوال بردن من نظرت را درباره حرفم بگو. حفظ خونسردی و اصرار برای پاسخ‌گویی به سوال و ادعای طرح شده بهترین و تنها راه‌گیر نیفتادن در مغلطه حمله شخصی است. به کارکنان خود پیام‌موزید لبخند بزنند و مخاطب را خلع سلاح کند و از او بپرسد کی قرار است جواب سوال من را بدهی؟ یادآوری کنید در یک بحث جدی هرگز نباید به مغلطه حمله شخصی پاسخ بدهد. پاسخ گفتن به توهین یا حمله یعنی دور شدن از بحث اصلی و این چیزی است که مغلطه‌کننده از ابتدای بحث به آن نیاز داشته است و از این روش برای ساکت کردن و منکوب کردن طرف بحث استفاده کرده است. به آنها پیام‌موزید که همواره توجه خود را معطوف «سخن» ارائه شده کنند نه اینکه «چه کسی» گفته است اما انتظار نداشته باشند دیگران همیشه این قانون را رعایت کنند اگر کسی این قانون را شکست با صبر و اصرار مبتنی بر دلیل خواهی پیش بروند.

آفانوری، نعیمه (1395)، مغالطه ها ، مصادره ها و چالش های کاذب ، موانع اصلی در پژوهش های حوزه ادبیات پایداری، فصلنامه علمی-پژوهشی ، نقد ادبی س 9. ش 36.7-39.

بانان فردوسیان ، محمد ، آزاده دل ، فاطمه (1399)، بررسی مقایسه ای تاثیر خطاهای شناختی ، مکانیسم های دفاعی و اصول مغالطه در شکل گیری ادراک ، ششمین کنفرانس بین المللی پژوهش های نویت در حوزه علوم تربیتی و روانشناسی و مطالعات اجتماعی ایران .

حکاک، سید محمد (1388)، مغالطات عقل محض در نظر کانت ، فلسفه دین ، سال ششم، شماره دوم، صفحه 143-159.

خندان ، سید علی اصغر (1380)، مغالطات . قم : انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی (بوستان کتاب قم).
شریعتی سبزواری، محمدباقر (1400)، مناظره و تبلیغ؛ فن مناظره، مجادله، مغالطه و خطابه، تهران: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (عج).

شعبانی ورکی، بختیار ، باغگلی ، حسین ؛ حسین قلی زاده ، رضوان ؛ عالی ، مرضیه ، خالق خواه ، علی (1390)، طبقه بندی مغالطه های اسکات و پژوهش های تربیتی در ایران ، ارزیابی روش شناختی پژوهش های منتظر شده در نشریات معتبر علوم تربیتی و روان شناسی ایران ، پژوهش نامه مبانی تعلیم و تربیت ، 1 (1)، 49-74.

ضیاء، موحد (۱۳۸۵)، پای سخن منطق، خردنامه همشهری، شماره 3. ص ۱۱۳.
طالع زاری، مهدی (1384)، عبور از دام مغالطه . فلسفه و کلام، نشریه حکمت رضوی ، شماره 10 و 11. 71-80.

منتظری مقدم ، محمود (1394)، منطق 1. قم: حوزه علمیه قم مرکز مدیریت.
نبویان، محمود (۱۳۸۵)، مغالطات، معرفت فلسفی، سال سوم، شماره سوم، ص ۱۰۹.
وایت، جمی (۱۳۹۵)، مغالطه راهنمای درست اندیشیدن، ترجمه مریم تقدیسی، تهران: ققنوس. ص ۹.

- Abrahamson, E., Amir, E. (1996). The information content of the president's letter to shareholders. *Journal of business finance and accounting*: 23(8), 1157-1182.
- Bustamente, Thomas, Dahlman, Christian, Eds (2015). *argument types and fallacies in legal argumentation*. Heidelberg: Springer International Publishing. P.x. ISBN 978-3-319-16147-1.
- Carlsson, S., Lamti.R. (2015). *Tone management and earnings management*. School of business, economics and Law, Gothenburg university master degree project No.2015:18.

- Damer, T. Edward (2009), *Attacking Faulty reasoning: a practical guide to fallacy-free arguments* (6th ed.), Belmont, California: Wadsworth, P. 52, ISBN 978-0-495-09506-4. -
- Delancy, Craig (2018).evaluation arguments distinguishing between reasonable and fallacious tactics.oswego.edu.self-published. -
- Dowden, Bradley (2016). *Fallacy internet encyclopedia of philosophy*. -
- Garns, Rudy (1997).*Informal fallacies*. Northern Kentucky University. Retrieved 2013-09-10. -
- Gensler, Harry J. (2010) *The A to Z of logic*.Rowman & littlefield.p.74.ISBN 9780810875968. -
- Van Eameren, Frans, Garssen, Bart, Meuffels, Bert (2009).fallacies and judgments of reasonableness empirical research concerning the pragma-dialectical discussion rules.Dordrecht:springer.doi:10.1007/978-90-481-2614-9.ISBN 978-90-481-2613-2. -
- Woods, John (2004).who cares the Fallacies? The death of argument. Applied logic series.32.pp.3-23.doi:10.1007/978-1-402002712. -